

ملاحظات ناظر بر خلع سلاح

شیمیایی سوریه

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۲۰۹

مهرماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	فضای شکل‌گیری طرح خلع سلاح شیمیایی سوریه
۳.....	عوامل مؤثر بر طرف تهدیدکننده برای عبور از مرحله جنگ
۵.....	عوامل مؤثر بر رفتار طرف مقاومت‌کننده برای رفع تهدید
۸.....	چرا آمریکا طرح ایران و روسیه برای خلع سلاح را پذیرفت
۱۱.....	موافقت آمریکا و روسیه در زمینه خلع سلاح شیمیایی سوریه
۱۳.....	الزامات آمریکا و روسیه برای تعامل در سوریه
۱۵.....	نخستین گام‌های سوریه و واکنش‌های پس از آن
۱۷.....	تعامل، معامله و یا پذیرش واقعیت‌های موجود
۱۸.....	نتیجه‌گیری



ملاحظات ناظر بر خلع سلاح شیمیایی سوریه

چکیده

استفاده از تسلیحات شیمیایی در حومه دمشق باعث شد تا آمریکا سوریه را تهدید به حمله نظامی کند. این تهدید، پس از دو هفته تبلیغات شدید رسانه‌ای در بُعد جنگ روانی و اردوکنشی نظامی، گام به مرحله تازه‌ای گذاشت که طی آن با ابتکار طرف ایرانی و روسی، قرار شد دولت سوریه جنگ‌افزارهای شیمیایی خود را تحت نظارت بین‌المللی قرار دهد و با عضویت در پیمان منع استفاده از تسلیحات شیمیایی، عملاً بهانه را از آمریکا و متحدان غربی - عربی‌اش در حمله به خاک خود بگیرد. هرچند آمریکا برای حمله به سوریه چالش‌های فراوانی پیش‌رو داشت و در صورت انجام این حمله، بروز یک جنگ منطقه‌ای و شاید هم جهانی چندان دور از انتظار نبود، اما این ابتکار سیاسی که منجر به دور شدن سایه جنگ از سر منطقه شد از اهمیتی حیاتی و راهبردی برخوردار است.

مقدمه

حمله شیمیایی مشکوک در حومه دمشق که به باور بسیاری از کارشناسان مستقل نمی‌توانست توسط ارتش سوریه صورت گرفته باشد، در واقع بهانه‌ای از پیش

برنامه‌ریزی شده بود تا براساس آن، حامیان گروه‌های تروریستی در سوریه مانع از شکست نهایی آنها در برابر حملات ارتش این کشور شوند.

به صورت خلاصه باید گفت دستاوردهای ارتش سوریه در سه جبهه حمص، لاذقیه و به‌ویژه دمشق، حامیان گروه‌های مسلح را به این نتیجه رساند که ارتش قادر خواهد بود تا پیش از سال ۲۰۱۴ و زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، مخالفان را به صورت کامل سرکوب و نابود کند. برتری قابل توجه ارتش سوریه بر جریان‌های مسلح تروریستی در گوشه و کنار این کشور نگرانی فزاینده حامی آنها را در پی داشت.

شکست‌های متوالی گروه‌های مسلح به جبهه ترکی، عربی و غربی ثابت کرد که با تکیه بر ظرفیت این گروه‌ها نمی‌توان به توازن نظامی مد نظر برای حضور در مذاکرات ژنو ۲ دست یافت، از این رو، این کشورها خود به‌عنوان عنصر مداخله‌گر برای رسیدن به این سطح از توازن، وارد عمل شدند تا بتوانند مسیرهای پیشروی گروه‌های مسلح را هموار کنند.

طرح مسئله تسلیحات شیمیایی سوریه در همین راستا قابل ارزیابی است. به نظر می‌رسد که برنامه حمله آمریکا و متحدانش به سوریه، طرحی مربوط به پیش از حمله شیمیایی اخیر بود و این اقدام گروه‌های تروریستی مسلح، در واقع در راستای ایجاد بهانه برای انجام حمله نظامی به شمار می‌رفت. تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای ورود به جنگی جدید در منطقه، در نهایت با ابتکار دو کشور ایران و روسیه و همکاری کامل دمشق از تهدید به فرصت تبدیل شد که این گزارش درصدد است ابعاد مختلف آن را بررسی کند.



فضای شکل‌گیری طرح خلع سلاح شیمیایی سوریه

بستری که در آن طرح موسوم به خلع سلاح شیمیایی سوریه شکل گرفت، شامل دو سطح مقاومت و تهدید است که این دو سطح در تماس با هم یک راه‌حل میانه‌ای را برای گرفتن بهانه از طرفداران جنگ در غرب و منطقه ارائه کرد و با توجه به رویکرد بسیاری از کشورهای جهان که مخالف جنگ جدیدی در منطقه بودند، خود را نمایان ساخت. در فضای شکل گرفته عناصر متعددی دخیل بودند که هرکدام به نوبه خود تلاش می‌کردند تا از مرحله تهدید به دوره تعامل برسند. طرف مقاومت‌کننده شامل ایران، روسیه، سوریه و دیگر متحدان در چارچوب رفتاری خود سطح آمادگی نظامی و سیاسی را در برابر تهدید بالا بردند و چون از موقعیت برتری در برابر طرف تهدیدکننده برخوردار بودند، موفق شدند تا آنها را وارد روندی سیاسی کنند. این درحالی بود که تا پیش از این و با توجه به تحولات میدانی سوریه و برتری ارتش بر گروه‌های مسلح، آنها حاضر نبودند که وارد مذاکره شوند.

عوامل مؤثر بر طرف تهدیدکننده برای عبور از مرحله جنگ

مهمترین عواملی که طرف تهدیدکننده را ناچار به تعامل کرد، می‌توان به شرح ذیل توضیح داد:

۱. مشکلات اقتصادی آمریکا: آمریکا همچنان در شرایط بحران اقتصادی به سر

می‌برد و علیرغم تلاش‌های صورت گرفته در چند سال اخیر هنوز نتوانسته است از

رکود اقتصادی خارج شود؛ آمارها حاکی از آن است که تعداد بیکاران این کشور همچنان دو رقمی است، کسری بودجه و بدهی دولت آمریکا از مرز ۱۷ هزار میلیارد دلار عبور کرده است و در چنین شرایطی ورود به یک جنگ دیگر در خاورمیانه می‌توانست اوضاع اقتصادی این کشور را وخیم‌تر کند.

۲. بروز شکاف در میان طرف تهدیدکننده: طرف تهدیدکننده از همان ابتدای آغاز تهدیدها دچار نوعی شکاف داخلی عمیق شد که خود عامل سرنوشت‌سازی در محقق نشدن جنگ بود. این شکاف در سه سطح روی داد:

الف) سطح داخلی متحدان: مخالفت مجلس عوام انگلیس با مشارکت در اقدام نظامی علیه سوریه عملاً باعث شد که انگلیس به‌عنوان متحد راهبردی آمریکا از گردونه کشورهای حاضر در عرصه نبرد خارج شود.

ب) سطح داخلی کشورهای تهدیدکننده: در این حوزه افکار عمومی کشورهای مزبور عملاً مخالفت خود را با جنگ اعلام کردند. این مخالفت به شکل بی‌سابقه‌ای شدید بود به‌گونه‌ای که در همه آنها - کشورهای غربی و ترکیه - افکار عمومی با جنگی که پیروز نهایی آن مشخص نبود به شدت مخالفت کرد.

ج) سطح متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی: در این سطح نیز بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و همچنین پیمان ناتو با ورود به درگیری تازه در منطقه خاورمیانه مخالف بودند. این مخالفت‌ها از سوی کشورهایمانند آلمان شدت بیشتری داشت.

۳. تجربه حمله به عراق و مستند نبودن ادعاهای مطرح شده: طرف تهدیدکننده برای اثبات ادعای خود در مورد استفاده ارتش سوریه از سلاح شیمیایی



هیچ مستند قابل ارائه‌ای در دست نداشت. آمریکا، انگلیس و فرانسه به‌عنوان اعضای اصلی طرف تهدیدکننده به جنگ، هرکدام ادعاهایی را در مورد استفاده ارتش سوریه از سلاح شیمیایی مطرح کردند که هیچ‌یک از آنها قابلیت اثبات نداشت و بیشتر سندسازی بود. تجربه جنگ عراق نشان داد که استناد به چنین مدارک نامعتبر می‌تواند در آینده دردسرساز شود.

۴. نبود مجوز شورای امنیت؛ پس از حمله آمریکا و متحدانش به عراق به بهانه وجود تسلیحات شیمیایی و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد که قانون‌گریزی مقامات کاخ سفید را نشان می‌داد و عملاً مشروعیت دولت آمریکا را در سطح بین‌المللی و افکار عمومی پایین آورده بود، لزوم توجه به مجوز شورای امنیت برای هر مداخله خارجی از طرف هر یک از کشورهای جهان، طرف تهدیدکننده به‌خصوص آمریکا را دچار مشکلات بسیاری کرد.

عوامل مؤثر بر رفتار طرف مقاومت‌کننده برای رفع تهدید

در سناریوی حمله به سوریه، طرف‌های مقاومت‌کننده - شامل سوریه، ایران، حزب‌ا... لبنان و روسیه - در اقداماتی چندسطحی، موفق شدند بستری برای گذار از مرحله تهدید به تعامل فراهم کنند که مهمترین آنها را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. بالا بردن سطح مقابله و تهدید: در این سناریو کشورها و جریان‌های هم‌پیمان با سوریه سطح مقابله خود با هرگونه تهدید را بالا بردند. روسیه با اعزام ناوگان نظامی خود و همچنین ارسال تسلیحات نظامی بیشتر، حزب‌ا... لبنان با اعلام آماده‌باش در همه

سطوح نظامی و عملیاتی و ایران از طریق موضعگیری فرماندهان نظامی مبنی بر افزایش توان خود برای مقابله و پاسخ به تهدید، این روند را تقویت کردند. این آمادگی و توان بازدارنده حاصل از آن نهایتاً خطر بروز یک جنگ منطقه‌ای را از بین برد.

۲. آمادگی برای پاسخ نظامی: ارتش سوریه و حزب‌ا... لبنان که به صورت مستقیم در صحنه نبرد حضور دارند خود را برای پاسخ به هرگونه حمله احتمالی آماده کردند. دولت سوریه با اطلاع از وجود طرح حمله و جدی گرفتن آن، هم برای دفاع و هم برای حمله به مراکز راهبردی طرف تهدیدکننده از آمادگی کامل برخوردار شد.

۳. تهدید رژیم صهیونیستی: از آنجایی که تأمین امنیت رژیم صهیونیستی مهمترین هدف تعریف شده آمریکا در منطقه به شمار می‌رود، تهدید این رژیم توسط ارتش سوریه و مقاومت اسلامی در لبنان و حتی فلسطین از سیاست‌های مهم در پیش گرفته شده بود که باعث شد تا آمریکایی‌ها با کوتاه آمدن از موضع حمله نظامی تن به مصالحه بدهند. رژیم صهیونیستی در برابر:

الف) توان موشکی مقاومت و ارتش سوریه،

ب) باز شدن جبهه جولان برای یک جنگ فرسایشی،

ج) احتمال ورود نیروهای مقاومت به داخل اراضی اشغالی فلسطین و تصرف برخی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین،

هیچ راهکار منطقی و عملی پیش‌رو نداشت، از این‌رو، به خطر افتادن امنیت اسرائیل از عوامل مهم تأثیرگذار برای عبور از مرحله جنگ به تعامل بود.

۴. حمله به مراکز نفتی در منطقه: توان موشکی سوریه این امکان را می‌داد که در



صورت بروز هر جنگی در منطقه، مراکز مهم نفتی در خلیج فارس مورد تهدید قرار گیرد. بحرانی بودن اقتصاد جهانی و تأثیر جنگ بر گران شدن نفت و امکان حمله به سکوهای نفتی از عوامل سست شدن اراده طرف‌های تهدیدکننده برای مبادرت به جنگ بود.

۵. **بی‌نتیجه بودن حمله در کمک به گروه‌های شورشی:** آمریکا و متحدانش به دنبال آن بودند که در حمله احتمالی به سوریه، مسیرهای گروه‌های تروریستی و شورشی مسلح در اطراف دمشق را برای ورود به این شهر هموار کنند اما، راهبرد در پیش گرفته شده توسط ارتش سوریه برای محافظت از پایتخت و بستن همه منافذ ورودی، طرف تهدیدکننده را به این نتیجه قانع‌کننده رساند که این حمله نمی‌تواند ارتش سوریه را در وظیفه حراست از پایتخت ناتوان کند.

۶. **ایجاد سؤال در مورد ماهیت گروه‌های مسلح در سوریه:** یکی از اقدامات مهم که توسط محور مقاومت‌کننده به انجام رسید و در طول دوره تهدید مورد تأکید قرار گرفت، معرفی ماهیت گروه‌های مسلح فعال در سوریه بود. بیشترین فعالیت مسلحانه در سوریه مربوط به جریان‌های تکفیری وابسته به القاعده مانند جبهه النصره و سازمان موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و دیگر جریان‌های نزدیک به آنهاست. هر حمله‌ای به سوریه به جای تقویت موضع جریان مشهور به ائتلاف ملی سوریه و ارتش آزاد، موقعیت و جایگاه این گروه‌ها را تقویت می‌کرد. این درحالی است که دولت آمریکا خود این گروه‌های مسلح را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داده بود.

علاوه بر موارد فوق، مسائل و ملاحظات دیگری نیز در انصراف آمریکا از انجام اقدام نظامی علیه سوریه مؤثر بودند. محقق نشدن اهداف آمریکا از حمله محدود

نظامی از جمله این مسائل بود. از آنجایی که در اهداف تعریف شده آمریکا از بین بردن تسلیحات شیمیایی سوریه، وجه بارز ماجرا بود، هرگونه حمله‌ای در سطح محدود آن هم توسط موشک‌های کروز دوربرد، نمی‌توانست این هدف را تأمین کند. ناتوانی آمریکا در پیش‌بینی پیامدهای حقوقی حمله نیز از دیگر عوامل مؤثر در انصراف این کشور از حمله به سوریه محسوب می‌شود. حمله یک‌جانبه و بدون مجوز آمریکا و متحدانش به سوریه، پیامدهای حقوقی متعددی برای این کشور در پی داشت. عدم مشروعیت بین‌المللی چنین حمله‌ای باعث شکایت دولت سوریه به مجامع قضایی بین‌المللی می‌شد که بدون شک آمریکا به دلیل خسارت‌هایی که به زیربناهای سوریه وارد کرده بود به‌صورت بالقوه محکوم می‌شد.

در مجموع می‌توان گفت که طرف مقاومت‌کننده با در پیش گرفتن راهکارهای متعدد که آخرین آن پیشنهاد تخلیه تسلیحات شیمیایی سوریه بود، تلاش کرد تا مانع از وقوع جنگ شود و با طرح چنین ابتکاری، عملاً طرف تهدیدکننده را برای پیشبرد تهدیداتش خلع سلاح کند.

چرا آمریکا طرح ایران و روسیه برای خلع سلاح را پذیرفت

آمریکا در تحولات مربوط به سوریه به شدت منفعل عمل می‌کند، این وجه انفعالی به دلیل عدم تمرکز این کشور بر مسائل سوریه و در مجموع خاورمیانه و دخالت دادن متحدان منطقه‌ای خود مانند عربستان و ترکیه در این مسئله است. انفعالی عمل کردن دولت آمریکا در بحران سوریه باعث شد تا مقامات این کشور



به دنبال راهی برای برون رفت از بحرانی باشند که متحدان آنها - ترکیه، عربستان، قطر و اسرائیل - تدارک دیده بودند. از این رو، آمریکا از طرح ارائه شده توسط ایران و روسیه استقبال کرد تا با حفظ آبرو و تبلیغ این نکته که با به کنترل در آوردن تسلیحات شیمیایی سوریه دستاورد مهمی به دست آورده است از گزینه نظامی و شروع جنگی جدید خودداری کند.

هر چند باراک اوباما و دیگر مقامات این کشور همچنان اعلام می کنند که طرح حمله به سوریه روی میز است، اما در مجموع دلایل ذیل مبین چرایی پذیرش طرح روسیه و ایران توسط رئیس جمهور آمریکا است:

۱. شواهدی وجود دارد که مخالفان مسلح در سوریه به تسلیحات شیمیایی دست یافته اند. در دسامبر ۲۰۱۲، ایران به صورت رسمی و در قالب یادداشتی از طریق سفارت سوئیس در تهران به آمریکا در مورد سلاح های شیمیایی، از جمله گاز سارین، که به سوریه منتقل شده بود اطلاع رسانی کرد، اما آمریکا از همکاری با ایران برای پیگیری این موضوع سر باز زد.

۲. حمله نظامی آمریکا به سوریه می توانست تمام منطقه - و شاید آمریکا را - درگیر جنگی بزرگ تر کند. آمریکا پس از تجربه ای که در افغانستان و عراق در دهه گذشته داشته است، به این نتیجه رسید که در صورت بروز جنگ از مخمصه سوریه خلاصی نخواهد داشت.

۳. با توجه به تشدید اختلاف شیعه - سنی در منطقه، ده ها میلیارد دلار پول نفتی که صرف حمایت از افراتیون تروریست و تکفیری ها می شود خود موجب بی ثباتی منطقه شده است. حملات نظامی آمریکا به سوریه بیش از پیش آتش تندیروها را

برافروخته و موجب شرارت بیشتر شورشیان علیه تمام مردم سوریه با هر مذهبی می‌شد. وجود صدها ویدئو و هزاران تصویر از اعدام‌های خشن، بریدن سر سربازان و پیروان ادیان دیگر، این مسئله را ثابت می‌کند. انتشار برخی از این تصاویر در رسانه‌های غربی و واکنش افکار عمومی به آن، بسیار تأثیرگذار بوده است.

۴. این گمان اشتباه است که بدون حضور رئیس‌جمهور سوریه، «بشار اسد»، ایران نفوذش را در جهان اسلام و نیز ارتباطش با حزب... در لبنان را از دست می‌دهد. پس از حمله به افغانستان و عراق با رهبری آمریکا، جایگاه ایالات متحده در منطقه تضعیف شد و ایران قوی‌تر شد که مداخله آمریکا در سوریه می‌توانست به تکرار همان الگو منجر شود.

۵. حمله آمریکا به سوریه موجب انزوای بین‌المللی آمریکا شده و تمام امیدها برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک را از بین می‌برد. نه در داخل و نه در سطح بین‌المللی هیچ تمایلی به یک ماجراجویی نظامی دیگر از سوی آمریکا وجود ندارد - ناتو، گروه ۲۰، اروپا، روسیه، چین و ۶۰ درصد مردم آمریکا مخالف حمله نظامی یک‌جانبه آمریکا هستند.

۶. تلفات مردمی ناشی از حمله نظامی بالا خواهد بود. اگر توجیه اصلی حمله به سوریه بشردوستی - برای پایان دادن به کشتار بی‌رحمانه مردم سوریه - باشد، مداخله نظامی آمریکا بیش از آنکه مفید باشد، مضر خواهد بود.

۷. حمله نظامی آمریکا علیه یک کشور دیگر با اکثریت مسلمان تلاش‌های «اوباما» برای ترمیم تصویر آمریکا در جهان اسلام را بی‌اثر می‌کند.



۸. هرگونه حمله نظامی یک‌جانبه آمریکا به سوریه تنش‌های بین آمریکا و روسیه را افزایش می‌دهد. این رویداد، به‌نوبه خود، موجب تقویت اتحاد روسیه - ایران خواهد شد.
۹. اینکه دامنه چنین جنگی تا کجا امتداد می‌یابد امری نامشخص است. نادیده گرفتن توان ارتش سوریه و عدم موفقیت حمله موشکی و هوایی به اهداف تعیین شده در سوریه، فاجعه‌ای بزرگ برای اوپاما خواهد بود.
۱۰. نباید از تأثیر منفی چنین حمله‌ای بر مذاکرات هسته‌ای ایران غافل شد. در محافل سیاسی آمریکا کم‌وبیش این ذهنیت شکل گرفته است که تغییر دولت در ایران فرصت‌ها برای امکان توافق با تهران بر سر موضوع هسته‌ای را افزایش داده است. در چنین شرایطی حمله به متحد راهبردی ایران به‌طور قطع به از بین رفتن این فرصت‌ها منجر خواهد شد. این مسئله نیز در انصراف و اشنگتن از حمله نظامی به سوریه مؤثر بود.

موافقت آمریکا و روسیه در زمینه خلع سلاح شیمیایی سوریه

مطرح شدن طرح حمله نظامی آمریکا و متحدانش به سوریه از چشم بسیاری از کارشناسان مسائل نظامی، در راستای ایجاد یک راه‌حل سیاسی میانه در بن‌بستی که مخالفان در مقابل ارتش سوریه به آن دچار شده بودند، قابل ارزیابی است. این بن‌بست که به دلیل ناتوانی گروه‌های مسلح مختلف در برابر ارتش سوریه به‌ویژه در حومه دمشق و مناطق راهبردی این کشور به‌وجود آمده بود، باعث شد تا طرح حمله نظامی جهت ایجاد یک توازن نظامی در صحنه سوریه مطرح شود.

ارائه طرح تخلیه تسلیحات شیمیایی سوریه در راستای همین موضوع قابل بررسی و ارزیابی است چراکه این طرح هر دو طرف درگیر را وادار کرد به صورت جدی به بحث در مورد بحران سوریه بپردازند و در حاشیه مسئله تسلیحات شیمیایی، موضوعات دیگری مانند مذاکرات ژنو ۲ و آینده سیاسی سوریه، سرکوب جریان‌های تندروی وابسته به القاعده در این کشور و در نهایت سازوکار سیاسی جهت تشکیل نهاد سیاسی برای یک دوره انتقالی - در قالب برگزاری انتخابات آزاد - را مد نظر قرار دهند.

برخی کارشناسان معتقدند آمریکا تا پیش از طرح اتهام استفاده ارتش سوریه از تسلیحات شیمیایی، به صورت مستقیم در مسئله سوریه دخالت نداشت و این مسئله را به متحدان منطقه‌ای خود واگذار کرده بود، اما ناتوانی این متحدان برای پایان مأمریت محوله، حضور مستقیم واشنگتن را الزامی کرد.

تفاهم آمریکا و روسیه برای تخلیه سوریه از تسلیحات شیمیایی در واقع ایده‌ای بود که در خلال رایزنی‌های تهران - دمشق - مسکو به دست آمد و از آنجا که ایده‌ای مناسب برای جایگزینی با جنگ بود، در نهایت توانست مانع از حمله آمریکا به سوریه شود. به همین دلیل این طرح با استقبال افکار عمومی جهان مواجه شد.

در این طرح، مقرر شده که تسلیحات شیمیایی سوریه تحت نظارت بین‌المللی قرار بگیرد و دمشق در چارچوب پیمان منع استفاده از تسلیحات شیمیایی همه مکان‌های ذخیره و نگهداری سلاح‌های فوق را به مراجع بین‌المللی گزارش دهد. با این حال توافق آمریکا و روسیه برای نابودی تسلیحات شیمیایی سوریه



در واقع گام نخست یک پروسه درازمدت است که به نظر نمی‌رسد به‌سادگی قابل دستیابی باشد.

الزامات آمریکا و روسیه برای تعامل در سوریه

طرح آمریکا برای حمله به سوریه و واکنش صورت گرفته توسط دمشق و متحدانش برای پاسخ به چنین حمله‌ای نشان داد که در بستر ترتیبات موجود مبتنی بر تهدید متقابل، هر حادثه غیرقابل پیش‌بینی ممکن است روی دهد. هر دو طرف منازعه با اصرار بر مستندات خود مبنی بر استفاده طرف‌های درگیر در سوریه از سلاح شیمیایی، در راستای مشروعیت دادن به اقدامات خویش گام بر می‌داشتند.

اردوکنشی صورت گرفته توسط ناوگان‌های دریایی روسیه و آمریکا، آماده باش کامل محور مقاومت برای ورود به یک درگیری تمام‌عیار، آمادگی متحدان آمریکا برای تأمین هزینه مالی و حمایت لجستیک از هرگونه حمله‌ای نشان داد که سایه جنگ بیش از حد تصور واقعی است. درک این واقعیت توسط طرف‌های درگیر برای رسیدن به یک تعامل مثبت و میانه که هر دو طرف را راضی کند، باعث شد تا طرح موسوم به خلع سلاح شیمیایی سوریه با عضویت کامل این کشور در پیمان منع استفاده از تسلیحات شیمیایی شکل گیرد.

الزام آمریکا برای رسیدن به مذاکره جدی و واقعی پس از آن صورت گرفت که سران کاخ سفید این واقعیت را درک کردند که متحدان منطقه‌ای آنها توان مدیریت بحران و پایان دادن به آن در سمت‌وسوی تعریف شده واشنگتن را ندارند. پذیرش

این ناکامی و حرکت در بستر سناریوی از پیش طراحی شده استفاده ارتش سوریه از تسلیحات شیمیایی، وارد شدن به میدان رقابتی بود که پیش از این دو رقیب عمده منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا در آن حضور مستقیم، مستمر و تأثیرگذار داشتند. آمریکا به دلیل دوری از بحران سوریه - در بُعد عملیاتی - این فرصت را نداشت که برای حضور خود در این کشور زمینه‌سازی کند، بنابراین تلاش کرد با استفاده از عامل تهدید و قوه قهریه - هرچند در شکل غیرقانونی و یا عملیات روانی - به سرعت کمبود موجود را جبران کرده و میراث ناقصی که متحدان منطقه‌ایش برجای گذاشته بودند را تکمیل کند.

در مقابل، متحدان دمشق، با اشراف کامل بر وضع میدانی و علم به استفاده گروه‌های مسلح شورشی از تسلیحات شیمیایی، بر ماهیت غیرقانونی دخالت آمریکا در بحران سوریه پای فشرده و همه راه‌های قانونی پیش پای واشنگتن و به طور خاص مراجعه به سازمان ملل متحد را بستند. هوشمندی و قاطعیت موجود در میان اعضای محور مقاومت و تشخیص ابعاد گسترده تهدید باعث شد تا طرف روس نیز واقعیت این تهدید را بیش از پیش درک کرده و آن را جزئی از حوزه امنیت ملی خود تعریف کند. به عبارت دیگر، سوریه برای روسیه از اهمیتی راهبردی برخوردار شد.

گره خوردن مسئله حمله به سوریه به امنیت ملی روسیه، روندی بود که آمریکایی‌ها به شدت از آن اجتناب می‌کردند. آنها تلاش داشتند آنچه که در سوریه می‌گذرد را در قالب یک رویداد معمول حقوق بشری که آمریکا وظیفه رفع نگرانی‌های بین‌المللی در مورد آن را دارد، جلوه دهند. اما با توجه به سابقه رفتار آمریکا در



کشورهای مختلف و نیز تردیدهای جدی در مورد اهداف بشردوستانه کاخ سفید، افکار عمومی جهان نسبت به ادعاهای این کشور در زمینه حمله به سوریه متقاعد نشد و این امر نهایتاً در سوق دادن آمریکا به پذیرش طرح روسیه نقش مؤثری ایفا کرد.

نخستین گام‌های سوریه و واکنش‌های پس از آن

دولت سوریه در نخستین واکنش خود به توافق آمریکا و روسیه در مورد تسلیحات شیمیایی این کشور، ضمن موافقت اعلام کرد که دمشق به صورت کامل عضو پیمان بین‌المللی خلع سلاح شیمیایی شده است. عضویت در این پیمان که از ۲۲ مهرماه ۱۳۹۲ شکل رسمی و اجرایی به خود خواهد گرفت به بازرسان این سازمان اجازه خواهد داد تا همه مراکز شیمیایی در سوریه که گفته می‌شود تعداد آن بیش از ۴۰ مرکز است را تحت نظارت و کنترل قرار دهند.

اقدام سوریه در پیوستن به پیمان خلع سلاح شیمیایی، با استقبال کشورهای مختلف جهان روبرو شد. روسیه، چین، ایران، عراق، دبیر کل سازمان ملل و بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد از این اقدام سوریه حمایت و آن را گامی رو به جلو برشمردند.

درحالی که کشورهای مختلف از ابتکار سوریه در عضویت در پیمان خلع سلاح شیمیایی استقبال کردند، آمریکا و متحدان این کشور با علم به شکست در پروژه حمله به سوریه و امتیاز گرفتن میدانی از دمشق، این اقدام را ناکافی دانستند و شرط‌های دیگری پیش پای دولت سوریه قرار دادند. به نظر می‌رسد تعیین این شروط بیشتر به منظور ایجاد

اختلال در روند مذاکرات اخیر و گرفتن امتیاز بیشتر از دمشق است.

احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه و یکی از حامیان گروه‌های تروریستی در سوریه در همین راستا تأکید کرده است که «نظارت بین‌المللی بر تسلیحات شیمیایی سوریه بی‌فایده است و نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت».

وزرای خارجه عربستان سعودی، اردن و امارات متحده عربی نیز در چارچوب سیاست «اختلال در روند مذاکرات روسیه و آمریکا» با سفر به پاریس تلاش کردند محور جدیدی را علیه توافق شیمیایی سوریه شکل دهند. درخواست‌هایی که توسط سران پاریس پس از دیدار این افراد با رئیس‌جمهور فرانسه مطرح شد، در واقع نشان‌دهنده نوع نگاه آنها به مسئله سلاح‌های شیمیایی سوریه و نارضایتی از روند مذاکرات است.

از سوی دیگر، انگلیس و فرانسه همچنان در حال متقاعد کردن آمریکا هستند تا این کشور ابعاد جدیدی به درخواست‌های خود در مورد خلع سلاح شیمیایی سوریه اضافه کند، کمابینه آنها خواستار صدور قطعنامه‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل برای الزام دمشق به تعهداتش در مورد خلع سلاح شیمیایی شدند که به نظر می‌رسد این امر با هدف جای دادن سوریه تحت بند هفت منشور ملل متحد به انجام می‌رسد.

البته فعالیت این کشورها و تلاش آنها برای اختلال در روند توافقات صورت گرفته میان آمریکا و روسیه از چشم مسکو دور نمانده است. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در واکنش به تحرکات جدید غرب که به تحریک ترکیه و کشورهای عرب طرفدار گروه‌های تروریستی صورت می‌گیرد، این تلاش‌ها را بی‌معنی و غیرقابل



پذیرش خوانده و از آنها خواسته است که به تعهدات خود پایبند باشند. در این میان، موضع مخالفان مسلح سوریه کاملاً با کشورهای عرب و ترکیه هماهنگ است. ائتلاف مخالفان سوریه مقیم استانبول در واکنش به توافق روسیه - آمریکا برای خلع سلاح شیمیایی سوریه ملاحظات مطرح شده در این توافق را ناکافی دانسته و خواستار از بین بردن نیروی هوایی و توان زرهی و موشکی سوریه شده است. در واقع جریان‌های مسلح در سوریه بیش از آنکه از تسلیحات شیمیایی دولت واهمه داشته باشند، از نیروی هوایی، موشکی و زرهی این کشور هراس دارند و منتفی شدن حمله آمریکا به سوریه، عملاً آنها را از آینده خود در سپهر سیاسی سوریه ناامید کرده است.

تعامل، معامله و یا پذیرش واقعیت‌های موجود

آیا آمریکا و روسیه در مورد سوریه تعامل کردند، آیا معامله‌ای بین آنها صورت گرفت؟ آیا این دو قدرت هسته‌ای و عضو شورای امنیت سازمان ملل بر اساس واقعیت‌های موجود تصمیم به اتخاذ یک راه‌حل جهت برون‌رفت از بحران موجود گرفتند؟

پاسخ به این سؤالات با توجه به اطلاعات موجود، دشوار است. با این حال ملاحظات ذیل را می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱. از یک منظر، آمریکا و روسیه در مورد سوریه با یکدیگر تعامل کردند چون سطح تهدید علیه یکدیگر را درک کردند؛ آنها با توجه به شواهد موجود به این نتیجه رسیدند که باید وارد عرصه تعامل شده و راه را برای برگزاری مذاکرات ژنو ۲ فراهم کنند.

۲. از سوی دیگر می‌توان گفت که آمریکا و روسیه با یکدیگر معامله کردند؛ روس‌ها موفق به جلب نظر متحد خود برای دست کشیدن از تسلیحات شیمیایی‌اش شدند و در مقابل آمریکایی‌ها نیز به متحدان خود یادآور شدند که با پیوستن سوریه به پیمان منع تسلیحات شیمیایی، دیگر انجام حمله نظامی ضرورتی ندارد.

۳. بالاخره باید به این موضوع اشاره داشت که طرفین با درک واقعیت‌های موجود در سوریه از جمله دست برتر ارتش در این کشور، ناکام ماندن حمله نظامی آمریکا به دلیل استراتژی دفاعی دولت سوریه، لزوم سرکوب جریان‌های تندرو و افراطی وابسته به القاعده، عدم سرایت بحران به کشورهای همسایه و... پای میز مذاکره حاضر شدند تا نخستین گام حاصل از تعامل و معامله صورت گرفته در بستر واقعیت‌های موجود را عملیاتی کنند.

نتیجه‌گیری

نکته قابل استنباط از تحولات اخیر سوریه این است که همه طرف‌های درگیر در سطح کلان - به استثنای کشورهای عربی، ترکیه و فرانسه - برای رسیدن به توافقی جهت ممانعت از جنگ به تصمیم واحدی نائل آمدند.

با توجه به اینکه هیچ افق روشنی در زمینه موفقیت حمله آمریکا به سوریه وجود نداشت، دو قدرت بزرگ جهانی تصمیم گرفتند وارد یک سطح تعاملی شده و به توافقی مهم در مورد سوریه دست یابند. این توافق سایه جنگ را از سر منطقه دور کرد.

البته در صورتی که آمریکا و متحدان این کشور بخواهند با اضافه کردن



درخواست‌های جدید، توافق اخیر را به نفع خود تغییر دهند، بدون شک سرنوشت بدی در انتظار این توافق خواهد بود. دولت سوریه با قبول موضوع کنترل سلاح‌های شیمیایی خود از سوی سازمان ملل، از توان راهبردی خویش در حوزه نظامی جهت رسیدن به توافق گذشته است و طبعاً سران دمشق در صورت عدم دریافت تضمین‌های جدی، به هیچ عنوان این معامله را نهایی نخواهند کرد.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۲۰۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات ناظر بر خلع سلاح شیمیایی سوریه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: کریم جعفری

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. سوریه

۲. آمریکا

۳. روسیه

۴. ایران

۵. سلاح شیمیایی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۷/۳